

Mohammad-Hossein Naini and Exploration of Common Denominator among the Public

Seyed Naser Soltani  *

Assistant Professor, Public Law, Farabi
Campus, University of Tehran, Qom, Iran

Abstract


This research aims to indicate the roots of public law in the Constitutionalism in which the prerequisites for the citizens of the country to participate in public affairs as well as the basis for developing the concept of political participation were provided. This study examines the topic in the works of one of the famous jurists of this era. The concept of political participation should be developed by restricting both claims and obstacles. First, it had to constitutionalize the independent monarchy that it considered the whole country as its absolute property, and then recognized an authority for the public in public affairs, which was previously under the authority of the jurists. Both of these obstacles were removed through the concept of political equality. It was for years that concepts were being prepared in the workshop of Constitutionalism to create equality of humankind. Even a concept like representation was the result and implication of the concept of political equality. Within concepts such as "common house", "thirty crores" and "public affairs", the notion of political equality of the people of the country was developed and with the help of such foundation, thinking about such concepts was made possible. The present paper indicates that the emergence of these concepts was a sign of a fundamental change in the basis of sovereignty and its transfer from the king to the people on the one hand and the establishment of a kind of the public authority on the other hand.

Keywords: Common Denominator, Political Equality, Participation Right, Public Authority, Public Affairs.

* Corresponding Author: naser.soltani@ut.ac.ir

How to Cite: Soltani, S. N., "Mohammad-Hossein Naini and Exploration of Common Denominator among the Public", The Quarterly Journal of Public Law Research, 24(76), (2022), 79-107. Doi: 10.22054/QJPL.2021.54357.2467

محمدحسین نایینی و کشف مخرج مشترک میان افراد اهالی مملکت

سید ناصر سلطانی *  استادیار حقوق عمومی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

«جهات شخصیه و اضافات خاصه رأساً غیرملحوظ، ... نسبت به عناوین اولیه مشترکه بین عموم اهالی مانند امنیت ... و نحو ذلک از آن چه بین‌العموم مشترک و به فرقه خاصی اختصاص ندارد بطور عموم مجری شود.» (نایینی، تنبیه‌الامه، ص ۱۰۲)

چکیده

مسئله این پژوهش نمایاندن ریشه‌های حقوق عمومی در مشروطیت است که مقدمات محق و سهمی شدن افراد اهالی مملکت در امور عمومی فراهم و مبادی تدوین مفهوم مشارکت سیاسی، در آن مهیا شد. این تحقیق چنین موضوعی را در آثار یکی از فقهای نامور این دوره بررسی می‌کند. مفهوم مشارکت سیاسی می‌بایست با تقیید و تحدید دو مدعی و مانع عرض اندام می‌کرد. نخست باید سلطنت مستقل را مشروط می‌کرد که مملکت و مافیها را ملک طلق خود می‌دانست و سپس ولایتی برای عموم در امور عامه می‌شناخت که این حوزه پیش از آن در صلاحیت فقها بود. هر دو این موانع به مدد مفهوم برابری سیاسی از میان برداشته شد. سال‌ها بود که در کارگاه اندیشه مشروطه‌خواهی مفاهیمی برای خلق برابری نوع تدارک می‌شد. حتی مفهومی مانند نمایندگی از آثار و نتایج مفهوم برابری سیاسی بود. در اندرون مفاهیمی مانند «خانه مشترک»، «سی کرور» و «امور عموم» فکر برابری سیاسی اهالی مملکت خانه کرده بود و به مدد چنین بنیادی، اندیشیدن درباره چنان مفاهیمی ممکن می‌شد. این پژوهش نشان می‌دهد که پدیدار شدن این مفاهیم نشانه دگرگونی بنیادینی در مبنای حاکمیت و انتقال آن از شاه به افراد اهالی مملکت از یک سو و استقرار شعبه‌ای از ولایت عموم از سوی دیگر بود.

واژگان کلیدی: مخرج مشترک، برابری سیاسی، حق مشارکت، ولایت عامه، امور نوعی.

مقدمه

با وجود پژوهش‌های بسیاری که درباره اندیشه و آثار محمدحسین نایینی انجام شده اما درباره اهمیت استدلال‌های نایینی و معانی که در مفاهیم او مندرج است هنوز نکات مهمی از دیدگاه تاریخ اندیشه حقوقی ناگفته مانده که باید امکانات بیشتری برای کشف و توضیح آن‌ها بکار بست. بخش مهمی از تحولی که در مشروطیت در قلمرو اندیشه حقوقی رخ داده هم‌چنان بی‌توضیح مانده است. ضروری است تا چنین میراث مهمی که از دیدگاه اندیشه حقوقی به دور مانده مطالعه شود. باید کوشید تا منطق برخی مفاهیم نایینی را توضیح داد. در این سطور همه کوشش ما توضیح جمله‌ای از صاحب تنبیه است که بر صدر این مقاله نشانده‌ایم. از نظر نایینی بسیاری از اوصافی که نوری مبنای حکم بر نابرابری قرار داده بود خارج از منطق دورانی بود که نایینی بر پایه سرشت آن از اهالی مملکت مخرج مشترک می‌گرفت. دورانی که بر مبنای آن «جهات شخصیه و اضافات خاصه» می‌بایست بی‌اثر و «رأساً غیر ملحوظ» می‌شد.

این مقاله از وجهی اندیشه مشروطه‌خواهی نایینی را بررسی می‌کند که تاکنون بدان توجه نشده و از این حیث موضوع مقاله بدیع است. پرسش مقاله این است که مقصود نایینی از جمله کلیدی و مشکلی که در بالا ذکر شد چیست؟ و چه آثار و نتایجی بر چنین عبارتی در اندیشه مشروطه‌خواهی مترتب است؟ در این پژوهش تلاش می‌شود از یک سو با مراجعه به مهمترین کتاب نایینی، اجزا و لوازم فکر او را بازسازی کرده و از سوی دیگر با بررسی آثار استادش، آخوند خراسانی، مقصود او از این عبارت پیچیده روشن شود.

هنگامی که مشروطیت حوزه‌ای از مشترکات و مشاعات را برای همه افراد اهالی مملکت شناخت، «جهات شخصیه و اضافات خاصه» باید از شمول قاعده عام یعنی قانون خارج می‌شد و قانون بعنوان قاعده عام بر چنین مبنایی ممکن شد. مادامی که امور نوعی در صلاحیت نوع قرار نمی‌گرفت قانونگذاری در معنای دقیق کلمه ممکن نمی‌شد. بعبارت دیگر مادامی که امر نوعی و عمومی در حوزه صلاحیت و ولایت عامه قرار نگیرد، عموم و نوع ملت نمی‌توانند درباره آن موضوع قاعده و قانون بگذرانند. بنابراین ابتدا می‌بایست افراد اهالی مملکت برابر بشوند و سپس امور نوعی در صلاحیت ایشان قرار گیرد و تنها پس از این است که افراد برابر می‌توانند درباره امور نوعی، قاعده نوعی

تدوین کنند. بدین ترتیب از نظر نایینی تنها «آنچه بین العموم مشترک و به فرقه خاصی اختصاص ندارد» مبنای قاعده عام، قانون خواهد بود که بطور عموم مجری می‌شود. کوشش می‌شود شرایط امکان پدیدار شدن این مفهوم در مشروطیت توضیح داده شود. پدران مشروطیت از سال‌ها پیش به ضرورت برابری عموم و مداخله نوع در امور نوعی پی‌برده بودند. میرزا یوسف خان مستشارالدوله از هر فرصتی برای یادآوری این فکر استفاده می‌کرد. او حتی در متن نخستین قانون اساسی رسمی دولت ایران در پرده به این موضوع اشاره کرده بود: «وزراء و حکام و جمیع آن‌هایی که در سر کارها هستند عموم اهالی ایران، را که هیئت دولت ما از آن‌ها تشکیل یافته، خود را باید وجود واحد بدانند و در جلب منافع مشروعه و دفع اضرار دولت در همه حال با کمال خلوص و صدق نیت و صفا و صداقت اتفاق نمایند». در این عبارت شاه به وزراء و حکام دستور می‌دهد: اول: «عموم اهالی ایران ... خود را باید وجود واحد بدانند» دوم: «هیئت دولت ما از آن‌ها [از اهالی ایران] تشکیل یافته» است. چنین به نظر می‌رسد که عبارت اخیر به معنایی از برابری و سپس حاکمیت ملی اشاره دارد. بیان این جمله که «هیئت دولت ما از اهالی ایران تشکیل یافته» است یعنی اینکه اجزا و ارکان این دولت و ابتدای قدرت آن بر اهالی ایران و این دولت ناشی از اهالی ایران است. هر چند می‌دانیم بیان این فکر در این دوره تنها در حد اندیشه‌های نویسنده این متن بوده و پایه‌ای در واقعیت مناسبات حکومت نداشت؛ اما نظریه حقوق عمومی ایران می‌بایست به این اشارات بعنوان نخستین جوانه‌های چنین فکری باید توجه داشته باشد.

بتدریج که با اختلال در اداره مملکت، رخنه در ارکان سلطنت مستقل می‌افتاد؛ مفاهیم مخالف دیگری بعنوان رقیب آن در افق بحث‌ها پیدا می‌شد و این دستگاه مفهومی جدید خود را در خلاف جهت و عکس آن تعریف و بدین ترتیب دستگاه مفهومی خود را همچون بدیل سلطنت مستقل تدارک می‌کرد. سلطنت مستقل بعنوان عامل همه خرابی‌های مملکت، الهام‌بخش مفهوم سلطنت مشروطه بود و مفهوم اخیر، اجزای دستگاه فکری خود را در جهت خلاف اجزای سلطنت مستقل و با ضد خود تعریف می‌کرد و بدین ترتیب دستگاه فکری جدیدی بنا می‌نهاد. مفهوم امر عمومی بعنوان یکی از اساسی‌ترین اجزای سلطنت مشروطه در خلاف جهت سلطنت مستقل پدیدار می‌شد.

۱. فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، چاپ چهارم (تهران: خوارزمی، ۱۳۹۲) ص ۱۹۷.

۱. حکومت مشروطه، ولایت نوع در امور نوعی

در اینجا پس از بیان دیدگاه مخالفان و اشکالاتی که بر چنین فکری وارد می‌کردند؛ ادله طرفین بررسی و ارزیابی می‌شود. فضل‌الله نوری در بیان یکی از اشکالات «آن ضلالت‌نامه» می‌نویسد: «در زمان غیبت امام علیه‌السلام، مرجع در حوادث، فقهاء از شیعه هستند و مجاری امور به ید ایشان است».^۱ همچنین وضع قانون را در هر شکلی حتی موافق شرع و در صغرویات اعمال مأمورین دولت، خارج از صلاحیت نوع می‌داند و امور عامه را از مخصوصات شارع می‌شمارد و می‌نویسد: «بر فرض که این اساس از برای جعل قانون جدید که کفر است نبود، ولی لابد بودند که تکلم کنند در امور عامه یعنی در اموری که مربوط به تمام افراد رعایای مملکت باشد، بلکه سوای امور عامه را از وظیفه خود خارج می‌دانستند. با این وصف پس چرا به اعضای آن وکیل می‌گفتند: مگر نمی‌دانید که در امور عامه وکالت صحیح نیست و این باب، باب ولایت شرعیه است. یعنی تکلم در امور عامه و مصالح عمومی ناس مخصوص است به امام علیه‌السلام و نواب عام او و ربطی به دیگران ندارد و دخالت غیر آن‌ها در این امور حرام و غضب نمودن مسند پیغمبر (ص) و امام علیهم‌السلام است».^۲

صاحب تنبیه همچنین در متن رساله مدعیات یکی از مخالفان مشروطیت، یکی از جهله تبریز را آورده که «کتابچه آیات و اخبار داله بر عدم جواز مداخله امت در امر امامت» گردآورده و به نجف فرستاده و نوشته بود: «رعیت را به مداخله در امر امامت و سلطنت ولی عصر ارواحنا فداه چه کار است؟». این اشکال مهمترین اشکال شرعی بر مبنای مشروطیت بود و از این جهت لازم بود تا پاسخی به آن داده شود. به دلیل اهمیت این اشکال، نایینی درباره آن گفته است: «این شبهه فی‌الجمله به لسان علمی است و مانند سایر تلفیقات واهی چندان بی‌سر و پا نیست».^۳ این مناقشه از این حیث جدال مهمی بود

۱. شیخ فضل‌الله نوری، رساله حرمت مشروطه، در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسایل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت) (تهران: کویر، ۱۳۷۴) ص ۱۶۶.

۲. شیخ فضل‌الله نوری، رساله تذکره‌العافل، در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسایل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت) (تهران: کویر، ۱۳۷۴) صص ۱۷۱ و ۱۸۴.

۳. محمد حسین نایینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح سیدجواد ورعی، چاپ سوم (قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳) ص

که مشروطیت حکومت نوع بود و ولایت در امور نوعی را در صلاحیت عموم مردم قرار داده بود در حالی که مشروعه‌خواهان ولایت در این حوزه را در عصر غیبت در صلاحیت نواب عام و مجتهدین عدول و نه شغل عوام می‌دانستند؛ اما مشروطه‌خواهان اداره امور نوعی را در عصر غیبت در صلاحیت جمهور مسلمین می‌شناختند.

صرفنظر از مغالطاتی که نوری درباره اندیشه مشروطه‌خواهی کرده است و نایینی به دقت آن مغالطات را باز کرده و با «سنگ دندان شکن» پاسخ داده است؛ اما این اشکال اخیر نوری جدال عمده و اساسی مشروعه‌خواهان بر اندیشه مشروطیت بود که فقهای نجف و در رأس آنها آخوند خراسانی و شاگردانش در پاسخ به این اشکال، آرایش جدیدی به مفاهیم سنت داده و نظریه‌ای طرح کرده‌اند. در اینجا نوری تحریر و تقریر درستی از اختلاف میان فکر مشروعه‌خواهان و مشروطه‌خواهان ارائه کرده است و فقیهان مشروطه‌خواه نیز با التفات به اهمیت این مناقشه همه کوشش خود را در دفع این ایراد مهم و تاریخی بکار بسته‌اند. این ایراد چنان اهمیت داشت که پاسخ به آن جز با اجتهاد در مبانی حکومت جور شیعی ناممکن بود و از این حیث اهمیت فکر مشروطه‌خواهی تدارک نظریه‌ای شرعی برای مشروطیت بود. چنین پاسخی که نظریه عمده مشروطه‌خواهی در حول آن گرد آمده است مهمترین دستاورد فقهای نجف بوده است که در اینجا تلاش می‌شود اجزای آن توضیح داده شود.

نایینی در آغاز بحث و در بیان ضرورت قیام حکومت به نوع مردم می‌نویسد: «معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی ... منوط به قیام امارتشان است به نوع خودشان، و الا جهات امتیازیه ... و شرف استقلال وطن و قومیتشان به کلی نیست و نابود خواهد بود ... از این جهت است که در شریعت مطهره، حفظ بیضه اسلام را از اهم جمیع تکالیف ... مقرر فرموده‌اند». نایینی ادامه می‌دهد: «توقف حفظ شرف و قومیت هر قومی به امارت نوع خودشان منتهی به دو اصل است: اول: حفظ نظامات داخلیه مملکت ... دوم: تحفظ از مداخله اجانب ...». او در مقام نتیجه‌گیری از این بحث می‌نویسد: «و احکامی که در شریعت مطهره برای اقامه این دو وظیفه مقرر است» و همچنین «شدت اهتمام عظامی از سلاطین متقدمین فرس و روم در انتخاب حکمای کاملین در علم و عمل برای وزارت و تصدی و قبول آنها هم ... از این جهت بوده و بلکه ابتدای جعل سلطنت و وضع خراج و ترتیب سایر قوای نوعیه ... همه برای اقامه این وظایف و تمشیت این امور بوده و در

شریعت مطهره هم، با تکمیل نواقص و بیان شرایط و قیود آن، بر همین وجه، مقرر^۱ فرموده‌اند.^۲

نایینی ابتدا با بیان اینکه مداخله نوع در امور نوعی در شریعت و نزد عظمای سلاطین فرس و روم مشترک بوده، بنابراین هر خصوصیتی را نفی می‌کند و با رویکردی تاریخی و بازگشت به آبخور حکومت «ابتدای جعل سلطنت و وضع خراج و ترتیب سایر قوای نوعیه» را برای اقامه وظایف نوعی و تمشیت امور نوعی می‌داند و معتقد است که شریعت در تداوم همان راه، نواقص این امور را تکمیل کرده «و شرایط و قیود»ی بر آن افزوده است.

نایینی دو نوع حکومت یا سلطنت را شناسایی می‌کند: استبدادی و مشروطه. پس از توضیح نوع اول می‌نویسد: «اصل این شجره خبیثه فقط بی‌علمی ملت است به وظایف سلطنت و حقوق مشترکه نوعیه و قوام آن به عدم مسئولیت در ارتکابات و محاسبه و مراقبه در میانه نبودن آن».^۳

او در ادامه سیری که در آغاز کتاب شروع کرده، «وظایف سلطنت» را حفظ امور نوعی و حقوق مشترکه نوعیه می‌داند و به همین دلیل است که سلطنت باید در برابر این امور مسئولیت داشته باشد و اساس محاسبه و مراقبه در میان باشد و نمی‌تواند «قوای نوع از مالیه و غیرها را در نیل مرادات خود»^۴ صرف کند چرا که این امور نوعی و متعلق به همگان هستند و عموم مردم در آن مالکیت مشاعی دارند.

در بیان نوع دوم حکومت می‌نویسد: «اساس سلطنت فقط بر اقامه همان وظایف و مصالح نوعیه متوقفه بر وجود سلطنت مبتنی و استیلائی سلطان به همان اندازه محدود و تصرفش به عدم تجاوز از آن حد، مقید و مشروط باشد».^۵ او «حقیقت واقعیه و لب» این نوع حکومت را «ولایت بر اقامه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت و نه مالکیت و امانتی نوعیه در صرف قوای مملکت که قوای نوع است» می‌داند و قوای مملکت باید «در

۱. اصل: مفرد.

۲. نایینی، همان، ص ۳۹-۴۰.

۳. همان، ص ۴۳.

۴. همان، ص ۴۴.

۵. همان، ص ۴۳.

این مصارف و نه در شهوات خود» بکار افتد. نایینی سپس می‌نویسد: «آحاد ملت با شخص سلطان در مالیه و غیرها از قوای نوعیه شریک و نسبت همه به آنها، متساوی و یکسان و متصدیان امور، همگی امین نوعند نه مالک و مخدوم ... و تمام افراد اهل مملکت به اقتضای مشارکت و مساواتشان در قوی و حقوق، بر مؤاخذه و سؤال و اعتراض قادر و ایمن و در اظهار اعتراض خود آزاد و... در تحت ارادات شخصیه سلطان و سایر متصدیان» نیستند.^۱ صاحب تنبیه، اساس و شالوده سلطنت را اقامه وظایف و مصالح نوعیه می‌داند که امانت نوعیه است و قوای مملکت باید صرف آن شود.

نایینی در پاسخ به آن اشکالات پس از بیان اینکه «نه طهران ناحیه مقدسه است ... و نه مغتصبین مقام، آن بزرگوارانند و نه مبعوثان ملت به غیر از جلوگیری غاصب و تحدید استیلائی جوری برای مقصد دیگر مبعوثند»؛^۲ از آنجایی که مبنایی برای برابری اهالی مملکت می‌شناسد و کتاب تنبیه الامه را در جهت چنین درکی از برابری سامان داده لذا در مقابل این اشکال که «قیام به امور امت از وظایف حسبیه و از باب ولایت است، پس اقامه آن از وظایف نواب عام و مجتهدین عدول است نه شغل عوام و مداخله آنان در این امر و انتخاب مبعوثان بیجا و از باب تصدی غیراهل و از انحاء اغتصاب است» پاسخ می‌دهد.

پیش از احصاء پاسخ به این اشکالات، نایینی می‌نویسد: وظائف سیاسیه «اولاً و بالذات» از وظایف حسبیه و نه از تکالیف عمومیه است. قبل از آنکه وارد بررسی دلایلی که نایینی در رد این اشکال اقامه کرده، این نکته را باید توضیح داد که در کنار «اولاً و بالذات» که نایینی گفته است «ثانیاً و بالعرض» نیز در متن او در تقدیر است و عبارت «و لکن گذشته از آن که ...» بر همین قید در تقدیر دلالت دارد. ادله‌ای که نایینی در ادامه همین جمله آورده، به وضوح برای عدول از چنان حکم اولیه «اولاً و بالذات» و نشان دادن ناگزیر بودن حکم ثانویه «ثانیاً و بالعرض» آورده شده است که در ادامه بررسی این ادله عرضه خواهد شد.

« [۱-] نظر به شورویه بودن اصل سلطنت اسلامی ... عموم ملت از این جهت [۲-] و هم از جهت مالیاتی که از برای اقامه مصالح لازمه می‌دهند، حق مراقبت و نظارت دارند،

۱. همان، ص ۴۵-۴۴.

۲. همان، صص ۱۱۱-۱۱۰.

[۳-] و هم از باب منع تجاوزات در باب نهی از منکر ... [۴-] علاوه بر همه آن‌ها از جهات سیاسیّه هم وظیفه فعلیه نظر به مخصوویت مقام و عدم تمکن از تحدید صحیح جز بر این وجه، موجب تعین آن است ... [۵-] عدم لزوم تصدی شخص مجتهد و کفایت اذن او در صحت و مشروعیت آن ... [۶-] عدم تمکن نواب عام ... از اقامه آن وظایف، موجب سقوطش نباشد، بلکه نوبت ولایت در اقامه به عدول مومنین و با عدم تمکن ایشان به عموم ... منتهی خواهد بود». بدین ترتیب صاحب تنبیه، «به اتفاق کل فقهای امامیه» با «عدم تمکن نواب عام و ... عدول مومنین» نوبت ولایت را «به عموم» می‌رساند.^۱ از سوی دیگر نایینی با احصای این ادله متعدد به تدریج مقدمات عدول از آن «اولاً و بالذات» را فراهم می‌کند. در ادامه این عبارات، نایینی به تصریح می‌نویسد: «و چون وسیله اقامه وظایف لازمه ... به همین مشروطیت رسمیه بین الملل ... منحصر» است با کنار گذاشتن صوری که بر شمرده «وقوع اصل انتخاب منتخبین» را «به اذن مجتهد نافذ الحکومه» بعنوان راه حل نهایی را که همان «ثانیاً و بالعرض» است، عرضه می‌کند. نایینی با اقامه این دلایل، مداخله نوع در امور نوعی را صحیح می‌داند و در برابر ولایت نواب عام در امور عامه ولایتی برای نوع در امور نوعی شناسایی می‌کند و بدین ترتیب مهمترین ایراد شرعی بر مبنای مشروعیت را دفع می‌کند.

۲. کشف مخرج مشترک

اشکالی که مشروعه خواهان بر اساس فکر مشروطه خواهی وارد کرده بودند اساسی و بنیادین بود و مناقشه نوری بر مبانی مشروطیت از این جهت می‌توانست به نحوی صحیح و ذیل نظریه جور شیعی صورت بندی شود. این اشکال تا پیش از ورود خراسانی و حوزه فکری اش در این بحث بنا بر نظریه جور شیعی، روایت سنتی و رایج بود. بنابراین مشروطه خواهان برای دفاع از مشروطیت ناگزیر می‌بایست پاسخی به این اشکال مهم می‌دادند. نایینی به نوبه خود و در قفای خراسانی کوشید تا این اشکال را دفع کند. نایینی آنجا که درباره «مغالطه راجعه به اصل طاهر مساوات» بحث می‌کند، کوشیده است تا مخرج مشترکی میان همه افراد اهالی مملکت علی‌رغم تفاوت‌هایی که میان ایشان هست، انتزاع و استخراج کند. هر چند او همه نتایجی را که بر چنین انتزاعی بار می‌شود

۱. همان، صص ۱۱۵-۱۱۰.

نشان نمی‌دهد اما مقدمات انتقال از «افراد اهالی مملکت» به «ملت» را فراهم کرده است. افراد اهالی مملکت با تکیه بر مخرج مشترکی که همگان در آن محق و سهیم بودند و مشمول حکم مساوات و برابری می‌شدند و بنابر همان حق و سهم مشترک در امور نوعی می‌توانستند نمایندگانی انتخاب کنند. در تعریف نایینی از اصل مساوات، عناصر مفهومی وجود دارند که کوشش او را برای انتزاع مخرج مشترکی میان افراد اهالی مملکت نشان می‌دهند. نایینی می‌نویسد: «جهات شخصیه و اضافات خاصه رأساً غیر ملحوظ، ... نسبت به عناوین اولیه مشترکه بین عموم اهالی مانند امنیت ... و نحو ذلک از آنچه بین‌العموم مشترک و به فرقه خاصی اختصاص ندارد بطور عموم مجری شود».^۱

در قسمت اخیر عبارت بالا نایینی پس از آنکه «جهات شخصیه و اضافات خاصه» را در وضع قانون «رأساً غیر ملحوظ» می‌انگارد، می‌افزاید: «نسبت به عناوین اولیه مشترکه بین عموم اهالی مانند امنیت ... و نحو ذلک از آنچه بین‌العموم مشترک و به فرقه خاصی اختصاص ندارد بطور عموم مجری شود» در همین جا مخرج مشترک میان اهالی مملکت را استخراج می‌کند یعنی حوزه‌ای مشترک و مشاع میان عموم اهالی وجود دارد که به گروه و صنف خاصی اختصاص ندارد و همگان در آن مشترکند.

اندیشه مشروطه‌خواهی با به حاشیه راندن «جهات شخصیه و اضافات خاصه» کوشید تا «عناوین اولیه مشترکه بین عموم اهالی» را انتزاع کند. عناوینی که میان همه فرق بالا مشترک بود. امنیت و آزادی و ترقی مملکت نمونه‌هایی از این عناوین مشترک بودند. سرنوشت وطن که خانه همه انواعی بود که فضل‌الله نوری بر شمرده است، یکی از عناوین مشترکه بین همه اهالی بود که غیرمسلمان و مسلمان و زن و مرد نمی‌شناخت و اگر خراب شود بر سر همه خراب خواهد شد. در بیم و هراس خراب شدن سقف خانه مملکت و بازگشت به وضع طبیعی و هرج و مرج، همه سهیم و شریک بودند. خاص و عام مملکت با وجود اختلاف مدارک و مدارج پی به مخاطرات و مهالک آن برده بودند.^۲

۱. همان، ص ۶۹.

۲. میرزا صادق خان مستشارالدوله، یادداشت‌های تاریخی؛ خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، به کوشش ایرج افشار (تهران: فردوسی، ۱۳۶۱) ص ۱۴۴.

نایینی به دنبال شناسایی «عناوین اولیه مشترک بین عموم اهالی» بعنوان سنگ بنای نظام جدید است، عناوینی که «بین‌العموم مشترک» اند و «به فرقه خاصی اختصاص» ندارند. عناوینی که در آن اشتراک دارند و از طریق آن می‌توانند حوزه مشترکی از منافع را تأمین کنند: «نسبت به عناوین اولیه مشترک بین عموم اهالی مانند امنیت بر نفس و [امنیت بر] عرض و مال و مسکن ... و نحو ذلک از آنچه بین‌العموم مشترک و به فرقه خاصی اختصاص ندارد بطور عموم مجری شود».

از نظر ترتیب منطقی چنین به نظر می‌رسد که ابتدا نایینی حوزه‌ای از امور نوعی را شناسایی کرده که این حوزه مربوط و مرتبط به همه افراد اهالی مملکت است؛ این امور نوعی و عمومی مصالحی هستند که موجب رفاه نوع و انتظام امور نوع هستند. سپس در مرحله دوم چنین موضوعی را داخل در صلاحیت و ولایت نوع و امر نوعی دانسته است. نایینی از همین جا در مرحله سوم استدلال مفهوم نمایندگی مبعوثان ملت را برای اداره امور نوعی استنباط می‌کند که منشعب و منبعث از ولایت نوع و عموم است.

با توجه به بحث‌های خراسانی و نایینی در این باره و همچنین با توجه به فراوانی این نوع مفاهیم در آثار آن‌ها و بعلاوه رویکرد سهل ایشان در مواجهه با این موضوع چنین به نظر می‌رسد که این مفهوم حتی پیش از مشروطیت نزد فقها شناخته شده بود و فقها از این حیث به زرادخانه‌ای از مفاهیم دسترسی داشته‌اند و راهی نه چندان دشوار پیش روی خود می‌دیدند و با اعتماد به نفس و استوار این گام‌ها را برداشته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که خراسانی و شاگردش، نایینی، به سهولت دست در این خزانه مفهومی می‌برده‌اند.

از نظر نایینی قواعد مندرج در قانون اساسی معطوف به امور نوعی و عمومی است؛ بنابراین دستورات تفصیلیه آن یا عرفی است که حفظاً للنظام مقرر شده و یا «شرعیاتی است بین‌العموم مشترک و غیرمختلف‌الصنف» است.^۱ بعبارت دیگر قانون اساسی در حوزه امور مشترک نوعیه نوشته شده که غیرمختلف‌الصنف است. از همین روست که نایینی می‌نویسد: قانون اساسی تمام ملت را نسبت به قوانین - «که هر یک متضمن بیان حکم خاص برای عنوان عام و یا موضوع مخصوصی است» - مساوی می‌داند؛ چرا که قوانین در حوزه امور نوعی قرار دارند و برای موضوعات نوعی نوشته می‌شوند و به همین جهت همه در برابر آن مساوی‌اند؛ «پس بالضروره مساوات جز آنکه احکام مترتبه بر هر

۱. نایینی، همان، ص ۷۱-۷۰.

یک از آن عناوین عامه یا خاصه نسبت به اشخاص موضوعات آن‌ها بالسویه مجری گردد و ارادات شهوانیه بر آن‌ها حاکمیت نداشته باشد نخواهد بود» و آثار «التزام به این قانون مبارک مساوات جز عدم امتیاز وضع از شریف و قوی از ضعیف ... و سلب حاکمیت ارادات و اختیارات جائزانه طاغوتیه در اجرا و یا الغای دستورات و استحکام اساس مسئولیت از تجاوزات» نخواهد بود. بجز موارد مذکور، بر التزام به این قانون مبارک اثر و نتیجه دیگری مترتب نتواند بود. بدین ترتیب از نظر نایینی شرط امکان قانون اساسی وجود حوزه‌ای از امور مشترکه است که موضوع قانون اساسی است و در این حوزه مشترکه همه افراد اهالی مملکت با هم برابرند و در این حوزه ولایت دارند.

چنانچه تاریخ مشروطه‌خواهی ایران را در افق بلندتر از زمان کوشش‌های پدران مشروطیت نظاره کنیم و سخنان میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله را در نامه به مظفرالدین میرزا به یادآوریم که گفته بود: «ایرانیان را زور لازم است ... بلکه زور تازه و زوری [لازم است] که همیشه باعث نصرت و فیروزی ابدی تواند بود ... این فقره ممکن نمی‌شود مگر آنکه تلاش نموده طوایف مختلفه را که در ایران سکنی دارند در خیر و شرّ وطن عموماً با هم شریک و سهیم نمایند»^۱ و همچنین به فرازی از نامه فقهای نجف توجه کنیم که نوشته بودند: «سال‌های دراز در خصوص حریت طبیعی و خدادادی ملت ایران از دولت مستبده خود کشاکش‌ها بود»^۲؛ خواهیم دید که مشروطیت راهی برای نجات ایران بود و راه‌حل - های مشروطه‌خواهان معطوف به چنین وضعیتی بود و بنابراین کسی مانند نوری که دغدغه‌های او از رعایت صورت‌های شرعی فراتر نمی‌رفت، نمی‌توانست به چنین مسائل خطیری پی ببرد و درکی از آن پیدا کند. تنها کسانی مانند مستشارالدوله و نایینی و خراسانی که این سال‌های دراز را در نظر داشتند و در احکام و آرای خود به چنین «سابقه تاریخی» توجه می‌کردند و از موضعی تاریخی و بلند به موضوع می‌نگریستند می‌توانستند تصویری از «مقتضیات این قرن» و مغایرت آن با «قرون سالفه» پیدا کنند و راهی برای خروج از «اضمحلال و انقراض» بیابند.^۳

۱. ناظم الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، جلد ۱ (تهران: بنیاد فرهنگ ایران و آگاه، ۱۳۶۲) صص ۱۷۷-۱۷۲.

۲. محمد کاظم خراسانی، *سیاستنامه*، به کوشش محسن کدیور، چاپ اول (تهران: کویر، ۱۳۸۵) ص ۱۹۷.

۳. همان، ص ۲۱۴-۲۱۲.

در مقاله دیگری گفته شد که ایرادات نوری بر مفهوم برابری در مقابل قانون از دیدگاه فقهی و حقوقی، چنان که نایینی گفته بود «مغالطه» و «مغلطه کاری» است که «حتی طفل ممیز هم تواند فهمید».^۱ اما ایراد او درباره ولایت نوع در امور نوعی منطبق با نظریه جور شیعی است. فقهای مشروطه خواه در برابر چنین اشکالی و با اجتهاد در مبانی کوشیدند تا با دور کردن «جهات شخصیه و اضافات خاصه» از قلمرو قانون مخرج مشترکی برای همه افراد اهالی مملکت استخراج کنند.

نایینی در رساله تنبیه الامه کلامی نقل می کند که «طی ابلاغات شفاهیه که از لسان حضرات مشیخه اسلامیة به نجف اشرف» و به آخوند خراسانی نوشته بودند: «این سیل عظیم که به نام تمدن بشری از بلاد غرب به سمت ممالک اسلامیة سرازیر است، اگر ماها رؤسای اسلام جلوگیری نکنیم و تمدن اسلامی را کاملاً به موقع اجرا نگذاریم، اساس مسلمانی تدریجاً از آثار آن سیل عظیم محو و نابود خواهد بود».^۲ صاحب کفایه نیز با چنین آگاهی از موضوعی که پیش روی اوست نوشته بود: «امروز عقلای عالم متفقند که مقتضیات این قرن مغایر با مقتضیات قرون سالفه است ... و بقای بر مسلک قدیمی جز اضمحلال و انقراض نتیجه نخواهد داد. پس تاسیس این امور محترمه حفظ بیضه اسلام است و در معنا این اعمال یک نوع جهاد دفاعی است که بر عامه مسلمین واجب و لازم است بلکه در شرعیات اهمّ از این نیست».^۳ بنابراین درک فقهای مشروطه خواه از سیلی که به راه افتاده بود، دیگرسان بود و در سایه چنین شناختی از موضوع، کمر همت به «تکمیل نواقص آزادی» و اجتهاد در نظریه جور شیعی بسته بودند. در چارچوب این اشکال، فضل الله نوری از آنجا که چنین دریافتی از موضوع نداشت؛ لذا اساس چنین مغایرتی را نمی پذیرفت و بنابراین نمی توانست ضرورت و مقدمات چنان مخرج مشترکی را فهم کند و به روش های امکان آن در نظام مفاهیم سنت بیندیشد.

۱. نایینی، همان، ص ۱۰۱.

۲. نایینی، همان، ص ۱۱۸.

۳. خراسانی، همان، ص ۲۱۳.

۳. ابزارهای مفهومی نایینی در کشف مخرج مشترک

یکی از مفاهیمی که به همراه همه مقدماتش دستمایه مهمی برای این بحث‌ها بوده مفهوم اسم جنس و «ماهیت لیسیده» در اصول فقه بوده است و فقهای مشروطه‌خواه و خاصه نایینی از این مفهوم و مقدمات آن استفاده بسیاری برای دفاع از مبانی مشروطه‌خواهی کرده است.

نایینی برای ساختن و تأسیس قدر متیقنی که در آن عناوین اولیه بین عموم اهالی مشترک باشد جهات شخصیه و اضافات خاصه را از تعریف خارج و تنها آنچه بین‌العموم مشترک و به فرقه خاصی اختصاص ندارد را در تعریف وارد می‌کند تا بتواند با استقرار مشترکات مفهوم افراد محق و سهیم اهالی مملکت (شهروند) را بنا کند. بدین ترتیب می‌توان گفت عناوین اولیه مشترک بین عموم اهالی عنصر سازنده مفهوم شهروند بوده است. بدین ترتیب از این مباحث نایینی می‌توان چنین نتیجه گرفت که جهات شخصیه و اضافات خاصه و آنچه بین‌العموم مشترک نیست و به فرقه خاصی اختصاص دارد و رای عناصر سازنده شهرندی است.

در انقلاب فرانسه، فقیه فرانسوی، ژوزف ایمانوئل سی‌یس، تالی نایینی، چنین مخرج مشترکی را با نفی جهات خاصه و اضافات شخصیه بر اساس «طبیعت ثانوی» افراد اهالی مملکت شناسایی و استخراج کرد.^۱ اما به نظر می‌رسد با توجه به مبانی نایینی و مفاهیمی مانند ماهیت لیسیده و اسم جنس در اصول فقه، مشروطه‌خواهان ایران راه دیگری پیموده‌اند و برابری افراد اهالی مملکت را نه مانند سی‌یس بر پایه طبیعت ثانوی که بر پایه طبیعت اولی عموم و نوع استخراج و استنباط کرده‌اند. بعبارت دیگر انسان لیسیده و انسانی که جهات شخصیه و اضافات خاصه در او رأساً غیر ملحوظ باشد برابر است.

پس از نفی این عناوین غیر مشترک خصوصیه و شناخت عناوین مشترک عمومیه بود که اهالی مملکت می‌توانستند.^۲ در «هیات وحدانیه اتحادیه کید واحد علی ما سواهم»

1. Emanuel-Joseph, Sieyès, *Qu'est-ce que le Tiers état* (Paris: édition de Boucher, 2002) p. 88; Lucien, Jaume, *Hobbes et Etat représentatif moderne* (Paris: PUF, 1986) p. 190-194.

۲. سیدناصر سلطانی، «مشروطیت و جدال فقیهان در مفهوم نمایندگی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، سال دوم، شماره یک، بهار و تابستان، (۱۳۸۹)، ص ۱۵۶؛

Pascal Pasquino, *Sieyès et l'invention de la constitution en France* (Paris: Odile Jacob, 1998) p. 100 sq.

پدیدار شوند. مادامی که چنین ما به الاشتراکی میان اهالی مملکت شناسایی نمی‌شد اولاً این افراد برابر نمی‌شدند و ثانیاً نمی‌توانستند «ید واحده» و «هیات وحدانیه» شوند.

بر پایه چنین عناوین اولیه مشترک بین عموم اهالی، نوع و عموم اهل مملکت «ذمه‌دار مصالح» عمومی و انتظامات مملکت شدند «چرا که مملکت خانه نوع است و خرابی خانه نوع خرابی خانه اشخاص خواهد بود» و بدین ترتیب افراد محق و سهیم در تصویب و نظارت امور عموم یعنی شهروند پدیدار شدند. پدیدار شدن و رواج مفاهیمی مانند «نوع» و «خانه نوع» مبتنی بر امور نوعی و عمومی است که موضوع مشترک و حوزه مشاع اهالی مملکت است. همین اشتراک، مقدمه برابری است. بدون پیش‌فرض گرفتن چنین حوزه‌ای از برابری چنین مفاهیمی پدیدار نمی‌شد. افراد نابرابر «نوع» نیستند و نمی‌توانند در «خانه نوع» سکنی گزینند و در امور نوع مشارکت کنند.

نمایان شدن آگاهی وابستگی و پیوند سرنوشت «خانه اشخاص» به سرنوشت «خانه نوع» نمونه دیگری از عناوین اولیه مشترکه میان عموم اهالی بود. در مشروطیت این آگاهی ملی پدیدار شد که سقف «خانه نوع» بالاتر از سقف «خانه اشخاص» است که برپا بودن خانه اشخاص وابسته به پایداری آن است.^۱ مخرج مشترک افراد اهالی مملکت و برابری آنان در امور نوع و عموم از این موارد استخراج می‌شد. در این حوزه تفاوت زن و مرد و غیر مسلمان و مسلمان همانند تفاوت میان دارا و ندار، پیر و جوان و ... است و هیچ یک از این تفاوت‌ها نمی‌توانند بر اصل طاهر مساوات در امور نوعی و عمومی یعنی مواردی مانند سرنوشت مشترک و اداره خانه نوع خدشه وارد کنند. در مشروطیت مفاهیمی مانند «سی کرور»^۲ بر پایه این مخرج مشترک بنا شدند.

۱. یکی دیگر از عوامل مهمی که این حس از برابری را خلق می‌کرد زبان مشترک بود اما این عامل در مشروطیت محل توجه نبود و هنوز اهمیت آن بر جامعه معلوم نبود و گویی عوامل و آرمان‌های مهمتری وجود داشت که زبان در مقایسه با آن فرصت عرض اندام نداشت. این عامل در سال‌های بعد آشکار خواهد شد.

۲. «سی کرور» در متون مشروطه‌خواهی در مقام مفهومی که به یک کل، «ملت»، اشاره می‌کند بکار رفته است. در آینه و آتیه این اصطلاح می‌توان آینده مفهومی نو (ملت) را دید که محتوا و مضمون آن در شکل «سی کرور» بیان می‌شود. تعبیری هم‌چون «سی کرور» که تمام مردم ایران را ذیل خود جمع می‌کرد و همه را تحت عنوان جمعی واحدی می‌شناخت تنها به مدد عناوین مشترکه اولیه بین‌العموم ممکن شد. بدون وجود حوزه‌ای از برابری پیدا شدن چنین عنوانی ناممکن بود.

وقتی گفته می‌شد استبداد سلطنت «حقوق سی کرور خلق» را دستخوش خیالات نفسانیه و پایمال اغراض شخصیه خود می‌کرد؛ یعنی حق‌هایی برای هیئت جامعه سی کرور اهالی مملکت وجود داشت که صدمه و خدشه به حق هر یک از افراد به معنای رخنه و تزلزل در کل «حقوق سی کرور خلق» بوده است. به استناد چنین کلیت پیوسته‌ای، وظیفه مشترک دفاع و اهتمام در آن بر عالم و عامی لازم است. مشروطیت از این حیث امری نوعی و عمومی و در حوزه مشاعات بود چرا که از این جهت مشروطیت یکی از موضوعاتی بود که نسبتی برابر با اهالی مملکت داشت و بود و نبود آن زندگی همه اهالی را متأثر می‌کرد. فایده مشروطیت دولت عبارت از «خلاصی عموم رعیت از ظلم» است و نفع آن شامل همه و به همین جهت سعی نمودن در استحکام اساس آن بر همگان واجب است^۱ چرا که نفع و ضرر آن به نوع می‌رسد و از همین حیث امر نوعی و عمومی است. شکلی از مفهوم «جهات شخصیه» بیشتر در بحث درباره اصل هشتم متمم قانون اساسی و در صورت‌های اولیه این اصل پدیدار شده بود.^۲ همچنین سه دهه قبل از طرح این بحث از سوی نائینی، روزنامه اختر در مقاله «مساوات برابری» این مفهوم را به میان آورده بود^۳ اما این بحث در میان اصولیین سابقه داشت و ایشان مقدمات عزیمت به چنین مفهومی را در بحث‌های اصولی بخوبی می‌شناختند و چنین مفهومی پیشتر در کارگاه‌های نظری ایشان آبدیده شده بود. اصولیین در سده متاخر، ذیل مفهوم اسم جنس (هو نفس المعنی و صرف المفهوم غیر الملحوظ معه شیء اصلاً) در مباحث اصول فقه، مفهوم «ماهیت لیسیده» را وارد کرده بودند.^۴

۱. غلامحسین زرگری نژاد، رسایل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت) (تهران: کویر، ۱۳۷۴) ص ۵۱۳-۵۱۰.

۲. میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، همان، ص ۲۸۴؛ سیدناصر سلطانی، «مفهوم برابری در مقابل قانون در متمم قانون اساسی مشروطیت»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، زمستان، دوره ۴، شماره ۲، (۱۳۹۱). «حقوق اهالی مملکت کلیتاً محفوظ است. شئون و درجات شخصیه موجب تباین حقوق نخواهد بود. یعنی ایرانی‌ها از حیث حقوق در مقابل قانون یکسان هستند.»

۳. روزنامه اختر، چاپ اول (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۳)، ۱۲ ربیع‌الاول، ۱۲۹۳ق، صص ۸۱-۸۲.

۴. «و یعبر عنه فی لسان بعض الاعاظم بـ "ماهیه لیسیده"؛ شیرازی، سید محمد، الوصول فی کفایه الاصول، ج ۳، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۶. به تعبیر سید محمد قاری سید فاطمی؛ مفهوم «هر کس» و «هر شخص» و مانند این که در ابتدای مواد قانونی آورده می‌شود بر اساس چنین مبنایی ممکن شده است. در: نشست «رابطه حقوق شهروندی با قوه

اسم جنس برای دلالت بر یک ماهیت وضع شده و شامل همه افراد آن ماهیت می‌شود. به بیان دیگر موضوع^۱ له اسم جنس، نفس ماهیت است بدون در نظر گرفتن حالات، صفات و خصوصیات مختلف افراد آن.^۱ مثلاً لفظ انسان برای ذات و ماهیت انسان وضع شده و ویژگی‌ها و صفات و «جهات شخصیه و اضافات خاصه» و «ملابسات و ملاحظات و حصص» در آن غیر ملحوظ است و به همین جهت شامل همه مصادیق انسان می‌شود.^۲

نایینی پس از آنکه امر نوعی را شناخت و تمشیت و ولایت آن را در صلاحیت نوع و عموم ملت قرار داد آنگاه در دستگاه مفاهیم فقهی اصولی دسترسی به مفاهیمی داشت تا بتواند بر پایه آن‌ها امور نوعی را در صلاحیت نوع قرار دهد و این مفهوم را در قالبی حقوقی صورت‌بندی کند. این گزاره‌های حقوقی به مدد ظهور مفاهیمی مانند «ماهیت لیسیده» ممکن شد که نشانه‌هایی از آن در اثر نایینی نیز ظاهر شده است. این مفاهیم ابزارهایی برای استقرار مفهوم برابری و دفاع از آن به فقیهان مدافع مشروطیت می‌داد. بنیادهای مشروطیت به مدد چنین ابزارهای مفهومی حقوقی استوار شد.

۴. سابقه مخرج مشترک در مشروطیت

روزنامه اختر در شماره چهارشنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۲۹۳ در سرمقاله خود با عنوان «مساوات برابری»، با تأکید بر معنای این مفهوم می‌نویسد: «این یکی را باید به تحقیق بفهمیم که آیا مقصود از این عبارت چیست؟» و پس از توضیح چرایی اهمیت فهم تحقیقی آن

قضایه»، پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل، ۹۴/۱۱/۲۸. ماهیت لایشرط مقسمی یا ماهیت مهمله مثل لحاظ انسان با قطع نظر از ملابسات و ملاحظات و حصص، در اینجا انسان یک ماهیت لیسیده نوعیه و کلیه است. مثلاً اصل ماهیت انسان در مقابل بقر و غنم لحاظ شود ولی هیچ خصوصیتی ملحوظ نیست بلکه اصل ماهیت بدون لحاظ شیئی از سایر قیود لحاظ می‌شود. این مفهوم و ماهیت همان است که منقسم به اقسامی می‌شود که گفته‌اند مقسم سایر اقسام است. درس خارج اصول استاد اشرفی ویرایش دوم. همچنین رک: آقا ضیاء عراقی، *نهایه الافکار*، ج ۲، ص ۵۰۴؛ ابوالقاسم خویی، *محاضرات*، ج ۵، ص ۱۵؛ *فیاض، المباحث الاصولیه*، ج ۶، ص ۲۵۶.

۱. حسین قافی و سعید شریعتی، *اصول فقه کاربردی*، جلد اول، چاپ یازدهم (تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۳) ص ۲۸۵.

۲. این کوشش‌ها و مقدمات نظری لوازم مهمی در قانون‌نویسی‌های آتی بودند و توفیق‌های بعدی در زمینه قانون‌نویسی مبتنی بر چنین مبانی بوده است.

می‌نویسد: «به علت این که معنی لغوی مساوات غیر از معنی اصطلاحی است و مراتب استعمال مدلول اصطلاحی آن هم در میان ملت‌ها متفاوت است». نویسنده این مقاله آنگاه با یادآوری اهمیت توجه به معنای مساوات و تحدید حدود آن، به فراست نکاتی را سه دهه پیش از جدال بر سر این مفهوم و خلط آن یادآوری کرده است. از نظر او در همه «شعبه‌های مشترک زندگانی‌ها که برای حصول امنیت مال و جان و عرض و ناموس اهالی است» باید حکم مساوات مرعی شود. بنابراین حوزه عمومی یا «شعبه‌های مشترک زندگی» یا «آنچه به امور زندگانی عمومی و امنیت مطلقه» مربوط است قلمرویی است که باید حکم مساوات در آن رعایت شود و همه اهالی مملکت در آن محق و سهیمند و در اداره و تمشیت آن می‌بایست رایزنی کنند.^۱

در مفهوم امور نوعی، معنایی از برابری نهفته است و بنابراین صورتی از عدالت است چرا که به تعبیر ارسطو «فضیلت آن، مانند هر صورت دیگری از عدالت در پیوند دادن مردم با یکدیگر فرض شده بود».^۲ مشروطه‌خواهان با جعل «عناوین اولیه مشترک بین عموم» یا «شعبه‌های مشترک زندگانی‌ها» به پیوند دادن مردم می‌اندیشیده‌اند و همان‌طور که میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله در نامه به مظفرالدین میرزا گفته بود راه نجات و فیروزی ابدی ایران در این پیوند بود.

۱. با توجه به تشابه بسیاری که میان این عبارات و بخشی از رساله نایینی وجود دارد شاید بتوان این فرض را پیش کشید که نایینی بحث‌های مشروطه‌خواهی را طی سالیانی دنبال و یادداشت‌هایی فراهم می‌کرده است و شباهت میان این دو عبارت ناشی از پیگیری بحث‌های مبانی شرعی اندیشه مشروطه‌خواهی نزد نایینی بوده است. نایینی پیش از عزیمت به عراق با برخی شخصیت‌های سیاسی اجتماعی وقت مراد داشت (مجله حوزه شماره ۳۰، ص ۳۵) این ارتباط در عراق هم میان ایشان ادامه داشت و نایینی گاهی میزبان آنان بوده است. نایینی پس از عزیمت به عراق در سامراء رحل اقامت افکند و از شاگردان برجسته میرزای شیرازی شد و در اواخر عمر میرزا کاتب و محرر او بوده است (*اعیان الشیعه*، ج ۶، ص ۵۴). او را از جمله مشاوران میرزای شیرازی در ماجرای نهضت تنباکو شمرده‌اند به طوری که به درخواست میرزا، او و بقیه شاگردانش صورت تلگرافی برای ارسال نزد ناصرالدین شاه تهیه و به محضر استاد بردند (سیدرضی شیرازی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰، ویژه‌نامه حماسه فتوا). پس از درگذشت میرزای شیرازی، نایینی در سال ۱۳۱۴ در نجف در درس آخوند خراسانی حاضر شد و از اصحاب مجلس استفتای او شد (آقا بزرگ تهرانی، *نقباء البشر*، ج ۲، ص ۵۹۳).

۲. ارسطو، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، چاپ سوم (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱) صص ۱۲۸۷، ۱۲۷۷b، ۱۲۵۲a، ۱۲۵۵b.

سرمقاله اختر پس از بیان این مقدمات ادامه می‌دهد: «امر محافظت مال و جان و عرض و ناموس مردم از اعلاء و ادنی و غریب و بومی و شریف و وضع بطور مساوات باید منظور شود و حقوقی که متعلق به امور مذکوره است در نظر عادلانه ملکداری و پاسداری نظم و زندگانی همه یکسان گرفته شود. ... و بالجمله به جز امور شخصیه ... تمامی آنچه به امور زندگانی عمومی و امنیت مطلقه مربوط است باید بطور مساوات باشد بی آن که فرقی از جهت شخصیات و اعتبارات خارجه و امور مذهبیه و مانند این‌ها به میان آورده شود و غنی و فقیر و وضع و شریف و مسلم و غیر مسلم در نظر عادلانه محاکم و محاکمات و در حضور قوانین و نظامات یکسان و مساوی گرفته شود».^۱ میان این جملات و عبارات صاحب تنبیه شباهات بسیار است و کلمات مشابه در این عبارات دیده می‌شود. شاید بتوان گفت نایینی این منابع را مطالعه و یادداشت‌هایی درباره این موضوعات گردآوری می‌کرده است یا این که در نوشتن تنبیه‌الامه از رایزنی محافظی بهره برده است که با چنین منابعی ارتباط داشته‌اند.

امنیت جان، مال و ناموس که در ابتدای سرمقاله اختر آمده است در زمره عناوین اولیه مشترکه بین عموم اهالی است که در این حوزه فرقی میان هیچ یک از اهالی نیست و اختلال در هر یک از این عناوین مشترکه و در این حوزه مشاع، عموم و نوع را آشفته و پریشان می‌کند. بدین ترتیب سال‌ها پیش از نوشته شدن رساله تنبیه‌الامه، اندیشه مشروطه‌خواهی در ایران شرایط امکان استنباط و استخراج مخرج مشترک میان اهالی مملکت را تمهید می‌کرد. بتدریج مواد و مصالح چنین فکری آماده می‌شد تا «مجتهد سترگ» و حقوقدانی ظهور کند که بتواند به پشتوانه زرادخانه مفاهیمی که در دست دارد با «تفسیر دقیق»^۲ همه این اجزا را در دستگاه فکری منسجمی گردهم آورد و تفسیر وفاقی از مسائل الخلاف بدهد.

در سال‌هایی که مقدمات فکر مشروطه‌خواهی در افق بحث‌ها پدیدار شده بود چنین مفاهیمی نیز ظاهر شده بودند. مفهوم «شعبه‌های مشترک زندگانی‌ها» در این سرمقاله عنوانی است که بعدها در رساله نایینی تکامل یافت و نایینی از آن به «عناوین اولیه

۱. اختر، همان، صص ۸۱-۸۲

۲. مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ چهل نهم (تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۴) ص ۴۲.

مشترک بین عموم اهالی» یاد خواهد کرد. نویسنده سرمقاله در همان جا هم «شعبه‌های مشترک زندگانی‌ها» را «آنچه به امور زندگانی عمومی و امنیت مطلقه» مربوط است معنا می‌کند. نویسنده سرمقاله در تعبیر اخیر به صراحت عنوان «امور ... عمومی» یا نوعی را وارد کرده است و از این بحث نتیجه می‌گیرد که در این حوزه باید مساوات میان اهالی مملکت مراعات شود. رعایت مساوات در این حوزه به معنای قبول ولایت نوع در امور عامه است و نوع مردم مملکت می‌توانند در این امور مداخله و مشارکت کنند. از نظر نویسنده سرمقاله اختر در ولایت امور نوعی و عمومی هیچ یک از افراد اهالی مملکت از جهت «شخصیات و اعتبارات خارجه و امور مذهبی و مانند این‌ها» فرقی ندارند و همه یکسان و مساوی گرفته می‌شوند.

تعبیر «اسقاط اضافات» پیش از این‌ها نیز در ادب فارسی سابقه داشته و از آن اسقاط اعتبارات مراد می‌شده است و به معنای اعتبار یگانگی ذات در همگی ذرات عالم امکان بود و چنین معنایی را توحید حقیقی می‌گفتند و در اصطلاحات صوفیه آمده است: «التوحید اسقاط الاضافات».^۱ شاید از این حیث بوده است که برخی از معاصرین اثر نایینی را «تفسیر دقیق از توحید عملی» گفته‌اند.^۲

برابری شأن افراد اهالی مملکت و غیرملحوظ شدن جهات شخصیه و اضافات خاصه ره‌آورد و ارمغان مشروطیت بود که همه افراد اهالی مملکت را در تشخیص مصالح و مضار مملکت محق و سهیم کرد. با این تمهیدات نظری بود که ایرانیان در مسائل نوعی و عمومی صاحب رأی و نظر شدند.^۳ در حالی که پیش از آن تمشیت و اداره امور نوع یا در

۱. شیخ محمود شبستری در گلشن راز ذیل «اشارت به خرابات» گفته است: نشانی داده‌اند از خرابات/ که «التوحید اسقاط الاضافات». خرابات از جهان بی‌مثالی است/ مقام عاشقان لایالی است. خرابات آشیان مرغ جان است/ خرابات آستان لامکان است. گروهی اندر او بی‌پا و بی‌سر/ همه نه مؤمن و نه نیز کافر. ز سر بیرون کشیده دل‌ده تو/ مجرد گشته از هر رنگ و هر بو. فرو شسته بدان صاف مروق/ همه رنگ سیاه و سبز و ازرق. یکی پیمان خورده از می‌صاف/ شده زان صوفی صافی ز اوصاف.» به نظر می‌رسد که در جعل عبارات و اصطلاحاتی مانند غیر ملحوظ بودن اضافات خاصه و جهات شخصیه، چنین تعبیر و مفاهیمی در ادب فارسی نقش داشته است.

۲. مطهری، همان، ص ۴۲.

۳. محمد مهدی شریف کاشانی، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، چاپ اول (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲) ص ۳۴۲.

دست شاه بود یا در حوزه امور شرعیه عامه قرار داشت و «قیام به سیاست امور امت از وظایف حسبیه و از باب ولایت» شمرده می‌شد و از این مقدمه چنین نتیجه می‌گرفتند که: «پس اقامه آن از وظایف نواب عام و مجتهدین عدول است نه شغل عوام و مداخله آنان در این امر و انتخاب مبعوثان بیجا و از باب تصدی غیر اهل و از انحاء اغتصاب مقام است».^۱

مشروطیت لحظه‌ای در تاریخ ایران بود که مشترکات نوعیه و عناوین مشترکه عمومیه بر جهات شخصیه و اضافات خاصه فائق آمد. با مشروطیت، زمانه‌ای آغاز شد که امور بر مدار و محور امور نوعی و نه امور شخصی می‌گشت؛ زمانه‌ای که بقا و حفظ مملکت را در عبور از جهات شخصیه و اضافات خاصه و گذر به عناوین مشترکه بین عموم می‌دید. مشروطیت این چنین مقدمه‌ای برای پدیدار شدن مفهوم ملت پدیدار کرد. با تکیه بر «عناوین اولیه مشترکه بین عموم اهالی» و حق و سهم ناشی از آن گیر را نیز می‌رسید با وجود مخالفت‌های نوری، تا پا بر مسند امور عامه بگذارد.^۲

مفهوم ملت؛ «سی کرور»، «نوع»، «عموم» و «قاطبه اهالی مملکت» پس از کشف و استخراج مخرج مشترک میان افراد اهالی مملکت پدیدار شدند. کشف این مخرج مشترک شرط امکان پدیدار شدن آن مفاهیم بود. این مفاهیم مناط و ملاک مشترکی دارند و اساساً چنین مفاهیمی بر پایه مابه‌الاشتراکی ممکن می‌شوند. ساخت مفاهیم عام مانند نوع و عموم و ... یا هر مفهوم عام دیگری مستلزم حوزه و قلمرو مشترکی است و بنابراین مفهومی مانند ملت، نوع، عموم، اهالی مملکت و ... مادامی که حوزه مشترکه یا مابه‌الاشتراکی میان موضوعات آن نباشد نمی‌توانند ساخته و پرداخته شوند و شرط امکان مفاهیم عام وجود چنین مابه‌الاشتراکی است. بنابراین در مشروطیت این مفاهیم آنگاه پدیدار شدند که پیش از آن مشترکاتی میان موضوعات آن فراهم شده بود و بدین ترتیب آن‌ها می‌توانستند ذیل یک عنوان کلی قرار گیرند.

این که در مشروطیت، اداره امور نوعی در حوزه صلاحیت عموم قرار گرفت، ریشه و سابقه‌ای در برابر انگاشتن و برابر دانستن عموم در امور نوعی دارد. یعنی پیش از اذن

۱. نایینی، همان، ص ۱۱۲.

۲. زرگری نژاد، همان، ص ۱۸۴.

مداخله نوع در امور نوعی، برابری ایشان در تصرف و مداخله در این امور پذیرفته شده بود و بدین ترتیب بود که اصطلاح و مفهومی با عنوان امور نوع پدیدار شده بود. بنابراین وقتی چنین حوزه‌ای از برابری سیاسی میان نوع و عموم پذیرفته شده بود در نتیجه حکومت سیاسی مشروع، حکومتی بود که در اداره امور نوع به نوع ملت و عموم مردم متوسل شود. در چنین شرایطی که حوزه‌ای از برابری برای افراد اهالی مملکت پذیرفته شده است و همین حوزه مشترکه مبنای مداخله نوع در امور نوعی است؛ در این شرایط این حوزه مشترکه ما را به نفی جهات شخصیه و اضافات خاصه سوق می‌دهد تا بتوان بر مبنای آن حوزه مشترکه و عناوین اولیه مشترک بین عموم مبنای مداخله عموم را در امور نوع پایه گذارد. ظهور این حوزه مشترکه نوعیه ما را به انکار تفاوت‌های طبیعی و تفاوت در احوال در جایگاه و منزلت افراد اهالی مملکت می‌رساند. بدین ترتیب هیچ یک از اهالی مملکت حق و سهم بیشتری نسبت به دیگر افراد اهالی مملکت برای مداخله در امور نوعی ندارد. بنابراین هر یک از افراد اهالی مملکت در اعمال ولایت سیاسی و مداخله در امور عامه تا جایی که ممکن است باید بر مبنای شرایط برابر مشارکت کند. این کوشش‌های مشروطه‌خواهان و پیدایش چنین مفاهیمی در مشروطیت گام مهمی به سوی دخالت عموم در تصویب و نظارت امور عموم بوده است.

نتیجه‌گیری

نایینی نه تنها در میدان مفاهیم فقه و اصول بلکه در زمینه و فضای فکری مشروطیت می‌نوشت یعنی نه فقط بعنوان و در شأن یک فقیه بلکه در مقام یک «فقیه مشروطه‌خواه» سخن می‌گفت. بنابراین ناگزیر برای آن که به اشکالات مخالفان مشروطه پاسخ دهد آرایش و نظم جدیدی به مفاهیم داده است و بدین ترتیب مضمون مفاهیم در رساله او فربه شده و معنای مشروطه‌خواهانه‌ای بیشتر از آنچه پیش تر از این مفاهیم دریافت می‌شد در متن رساله او فهم می‌شود.

جدال در مشروطیت، پیکاری همه‌جانبه برای دفاع از نظام جدید بود و از این رو کسانی مانند خراسانی و حوزه فکری او همه امکانات مفاهیم فقهی و اصولی را برای دفاع از آن، آرایش و به صف کرده بودند و از همین رو در تقریظ بر رساله نایینی اصول

مشروطیت را مأخوذ از شریعت محقه می‌دانست که نایینی آن را بخوبی تبیین کرده بود. تفاوت عمده‌ای که در دفاعیات فقها در مقایسه با روشنفکران از مشروطیت وجود دارد در همین ظرایف و استفاده‌هایی است که از میراث اصولی و فقهی شده و با تکیه بر چنین ماترکی بنای مشروطه و ولایت نوعیه را استوار کرده‌اند. از این رو همچنان جای کوشش‌هایی در نظریه حقوق عمومی برای شناساندن ارج و مقام فکری فقهای مشروطه‌خواه خالی است.

بر طلاب حوزه‌های علمیه بیش از دیگران آشکار است که مقام و مرتبه علمی و اصولی نایینی با هیچ یک از مخالفان اهل شریعت مشروطه و خاصه با فضل‌الله نوری قابل قیاس نیست. این نکته که مرجعیت علمی نایینی که تا امروز در حوزه‌های علمیه پابرجاست؛ می‌بایست بعنوان یکی از عناصر مهم تحلیل حقوقی مشروطه لحاظ شود و از این حیث زبان فقهی و حقوقی آن‌ها نیز بسیار با هم تفاوت دارد. تبحر نایینی در اصول فقه و تفاوت وی با اقران و امثالش چنان بود که او را «مجدد علم اصول» گفته‌اند بطوری که حوزه درس او به دلیل «موشکافی‌های دقیق» و «غموض تحقیقاتش» محل توجه صاحب‌نظران قرار گرفته بود.^۱ بر اساس آثار ماندگاری که نایینی از خود برجای گذاشت که همچنان متن درسی هستند، بنابراین در یک بررسی دقیق و صحیح، نمی‌توان آنها را در ردیف همدیگر آورد و مقایسه اندیشه این دو تن تنها در خلایق ایدئولوژیک و سیاسی می‌تواند ممکن باشد. بنا بر همین اشراف علمی و کوشش برای تدارک پاسخی مبنایی بر ایرادات مخالفان مشروطه بود که نایینی با تفقه و توقف در زرادخانه مفاهیم فقهی و اصولی می‌کوشید تا با اجتهاد در اصول راهی برای استقرار مشروطه بگشاید. بر پایه همین درجه علمی نمی‌توان استواری استدلال این دو گروه را یکسان انگاشت. برای مثال در بحث برابری در مقابل قانون نایینی معتقد است که مخالفان مشروطه و در رأس

۱. محمد محسن آقا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، موزه و مرکز اسناد، ۱۳۹۶) ص ۵۹۳؛ سیدجواد ورعی، پیشگفتار تنبیه الامه و تنزیه المله (قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳) ص ۱۳.

آن‌ها نوری «مغلطه کاری»، «مغالطه ملحدانه» و «مغالطه مغرضانه»^۱ می‌کنند و اساساً بحث مخالفان مشروطه گفتگویی علمی نیست.

هر چند او در مقایسه با استاد خود، آخوند خراسانی، که گفته بود: «حکومت در عصر غیبت با جمهور مسلمین است» نتوانسته باشد چنان گام بلندی بردارد اما مواد و مصالحی فراهم کرده که بنابر آن می‌توان منطق استدلال او را به چنان سمت و سوی توسعه داد و نتایجی برای ولایت و مشارکت عموم در امور نوعی استنباط کرد. بدین ترتیب نایینی با تکیه بر چنین مفاهیمی راهی گشود تا در آینده بتوان قیام به سیاست امور امت را در زمره تکالیف عمومی شناخت.

تصریح نایینی به حق مراقبت و نظارت ملت در امور نوعیه توسط نمایندگان با استناد به دلایلی مانند سلطنت شورویه و نهی از منکر و پرداخت مالیات متضمن لوازم و نتایجی است که به موجب آن در حکومت مشروطه ولایت در امور عامه و نوعی بر عهده آحاد اهالی مملکت خواهد بود. چنانچه پیشتر نیز ذکر شد نایینی در ادامه ادله فوق تصریح می‌کند: «عدم تمکّن نواب عام ... از اقامه آن وظائف، موجب سقوطش نباشد، بلکه نوبت ولایت در اقامه به عدول مومنین و با عدم تمکّن ایشان به عموم ... منتهی خواهد بود».^۲ بنابراین رساله نایینی را می‌بایست از یک سو در مقام یک کل واحد و منسجم دید که حاوی دستگاه مفهومی مشروطه است و از سوی دیگر این دستگاه مفهومی می‌بایست در نسبت با کلیه مفاهیم نایینی عرضه شوند و در نهایت این نکته، نیک دانسته شود که صاحب تنبیه در دفاع از حکومت مشروطه این رساله را تحریر و ترقیم کرده و لذا نمی‌تواند سخنی در نقض دستگاه فکری خود گفته باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

۱. نایینی، همان، ۱۰۵-۱۰۱.

۲. همان، ۱۱۵-۱۱۰.

ORCID

Seyed Naser Soltani



<https://orcid.org/0000-0002-8022-5984>

منابع

کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون، *اندیشه ترقی و حکومت قانون* (تهران: خوارزمی، ۱۳۹۲).
- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، چاپ سوم (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱).
- ثبوت، اکبر، *آزادی و استبداد از نگاه آخوند خراسانی* (تهران: نشر وایا، ۱۳۹۵).
- خراسانی، محمدکاظم، *سیاستنامه*، به کوشش محسن کدیور، چاپ اول (تهران: کویر، ۱۳۸۵).
- *روزنامه اختر*، چاپ اول (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۳).
- *روزنامه انجمن تبریز*، ۲ جلد (تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۷۴).
- زرگری نژاد، غلامحسین، *رسایل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)* (تهران: کویر، ۱۳۷۴).
- شیخ محمود شبستری، *گلشن راز*، به کوشش شهربانو بهجت، چاپ چهارم (تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۶).
- شریف کاشانی، محمد مهدی، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، چاپ اول (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲).
- شیرازی، سید محمد، *الوصول فی کفایه الاصول*، ج ۳، چاپ سوم (قم: دار الحکمه، ۱۴۲۶ ق).
- کرمانی، ناظم الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران و آگاه، ۱۳۶۲).
- طباطبایی، سید جواد، *نظام‌های نوآیین در اندیشه سیاسی*، چاپ اول (تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۳).
- طباطبایی، سید جواد، *نظریه حکومت قانون در ایران*، بخش دوم: مبانی نظری مشروطه‌خواهی، چاپ دوم (تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۵).

- طهرانی، محمد محسن آقا بزرگ، *طبقات اعلام الشیعه: نقباء البشر فی القرن الرابع العشر*، ج ۲، ویراستار محمد طباطبایی بهبهانی، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، موزه و مرکز اسناد، ۱۳۹۶).
- قاری سید فاطمی، سید محمد، نشست «رابطه حقوق شهروندی با قوه قضاییه»، پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل، (تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۴) ۹۴/۱۱/۲۸.
- قافی، حسین و شریعتی، سعید، *اصول فقه کاربردی*، جلد اول، چاپ یازدهم (تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۳).
- مستشارالدوله، میرزا صادق، *یادداشت‌های تاریخی؛ خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق*، به کوشش ایرج افشار (تهران: فردوسی، ۱۳۶۱).
- مطهری، مرتضی، *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، چاپ چهل نهم (تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۴).
- نایینی، محمدحسین، *تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح سیدجواد ورعی*، چاپ سوم (قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳).

مقاله‌ها

- سلطانی، سیدناصر، «مشروطیت و جدال فقیهان در مفهوم نمایندگی»، مجله مطالعات حقوقی، بهار و تابستان، سال دوم، شماره یک، (۱۳۸۹).
- سلطانی، سیدناصر، «مفهوم برابری در مقابل قانون در متمدن قانون اساسی مشروطیت»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۴، زمستان، شماره ۲، (۱۳۹۱).

References

Books

- Adamiyt, Fereydoun, *The Idea of Progress and the Rule of Law* (Tehran: Khwarazmi, 2012). [In Persian]
- Akhtar Newspaper, First Edition (Tehran: National Records Organization of Iran, 1383).
- Aristotle, *Politics*, Translated by Hamid Enayat, 3rd Edition (Tehran: Islamic Revolution Publications and Education, 1371).

- Ghafi, Hossein and Shariati, Saeed, *Principles of Practical Jurisprudence*, First Volume, 11th Edition (Tehran: Hozha and University and Samit Publications, 2013). [In Persian]
- Hobbs, Thomas, *Leviathan*, Edited and Abridged with an Introduction by John Plamentaz (London: Collins, 1962).
- Jaume, Lucien, *Hobbes et Etat représentatif moderne* (Paris: PUF, 1986).
- Kermani, Nazim al-Islam, *History of Iranian Awakening*, By Ali Akbar Saeedi Sirjani (Tehran: Farhang Iran and Aaghah Foundation, 1362). [In Persian]
- Khorasani, Mohammad Kazem, *Politics*, By Mohsen Kadivar, First Edition (Tehran, First Edition, 1385). [In Persian]
- Mostashar al-Doulah, Mirza Sadegh, *Historical Notes; Memoirs and Documents of Mostashar al-Doulah Sadegh*, by the Efforts of Iraj Afshar (Tehran: Ferdowsi, 1361). [In Persian].
- Motahari, Morteza, *Islamic Movements in the Last Hundred Years*, 49th Edition (Tehran: Sadra Publications, 2014). [In Persian]
- Nayini, Mohammad Hossein, *Tanbiyeh al-Uma and Tanzih al-Mellah*, Revised by Seyed Javad Varej, Third Edition (Qom: Bostan Kitab, 2013). [In Persian]
- Pasquino, Pascal, *Sieyès et l'invention de la constitution en France* (Paris: Odile Jacob, 1998).
- Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, Meeting "Citizenship Rights Relationship with Judiciary", Public and International Law Research Institute, (Tehran: Judiciary Research Institute, 1394) 11/28/94. [In Persian]
- Rousseau, Jean-Jacques, *Contra Social et autres œuvres politiques* (Paris: Garnier Frères, 1975).

- Schmitt, Carl, *La Théorie de la Constitution* (Paris: Léviathan, PUF, 1995).
- Sharif Kashani, Mohammad Mahdi, *Incidents of the Times*, By Mansoureh Otabieh and Sirus Saadoundian, First Edition (Tehran: Tarikh Iran Publishing House, 2012). [In Persian]
- Sheikh Mahmoud Shabastri, *Gulshan Raz*, Shahrbanu Behjat's Effort, 4th Edition (Tehran: Contemporary Voice, 2016). [In Persian]
- Shirazi, Seyyed Muhammad, *Al-Vosol fi Kefayeh al-Asul*, Vol. 3, Third Edition (Qom: Dar al-Hakma, 1426 AH). [In Arabic]
- Sieyès, Emanuel-Joseph, *Qu'est-ce que le Tiers état* (Paris: édition de Boucher, 2002).
- Sobot, Akbar, *Freedom and Tyranny from the Perspective of Akhund Khorasani*, (Tehran: Nash Vaya, 2015). [In Persian]
- Tabatabai, Seyyed Javad, *Modern Systems in Political Thought*, First Edition (Tehran: Minooy-e Kherad, 2013). [In Persian]
- Tabatabai, Seyyed Javad, *Theory of the Rule of Law in Iran*, Part II: Theoretical Foundations of Constitutionalism, Second Edition (Tehran: Minooy-e Kherad, 2015). [In Persian]
- Tabriz Association Newspaper, 2 Volumes (Tehran: National Library, 2014). [In Persian]
- Tehrani, Mohammad Mohsen Agha Bozorg, *Tabaqat Al-Shia: Naqbatul-Bashar fi qarn iv al-ashar*, Vol. 2, Edited by Mohammad Tabatabai Behbahani, First Edition (Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Islamic Council, Museum and Center Documents, 2016). [In Arabic]
- Zargarinejad, Gholamhossein, *Constitutionalism Letters (18 Treatises and Bills about Constitutionalism)* (Tehran: Kavir, 1374). [In Persian]

Articles

- Soltani, Seyed Nasser, “Constitutionalism and the Conflict of Juristconsults in the Concept of Representation”, Shiraz University Legal Studies Journal, Spring and Summer, Second Year, Number one, (2009). [In Persian]
- Soltani, Seyed Nasser, “The Concept of Equality before the Law in the Constitutional Amendment”, Journal of Legal Studies, Shiraz University, Volume 4, Winter, Number. 2, (2011). [In Persian]